

# یسری کہ قبلاً بودم!

آلی استندیش | آذین شریعتی

## فهرست

۱۵	مقدمه
۱۹	پالم‌نات
۲۳	بابایزرگ آیک
۲۸	خیابان اصلی
۳۴	سوزان
۳۹	رودی
۴۶	آشپزی مامان
۵۰	روز دوم مدرسه
۵۴	خاطرات
۵۸	کورالی
۶۳	سفر در زمان
۶۷	هر آدمی به یک دوست احتیاج دارد
۷۱	یک دعوت
۷۶	کتابخانه
۸۲	آموزش رانندگی
۸۷	مسیر طولانی خانه
۹۳	منطقه‌ی ممنوعه
۹۵	همراه
۱۰۱	یک عادت جدید
۱۰۷	اردو
۱۰۹	خانه‌ی بلک‌وود
۱۱۶	صدای پشت تلفن
۱۱۹	فال‌گوش ایستادن
۱۲۲	فضا

۲۱۹	جدال
۲۲۳	اعلان جنگ
۲۲۵	کلمات
۲۲۷	سرورس مدرسه
۲۳۱	حقیقت
۲۳۶	قوی تر
۲۴۰	آقای رید
۲۴۳	کیسی، کیسی، کیسی
۲۴۵	درد
۲۴۷	مرگ
۲۵۲	طوفان
۲۵۸	کورالی کجاست
۲۶۱	نقشه
۲۶۵	عملیات نجات
۲۷۱	توله‌ها
۲۷۵	دوباره کتابخانه
۲۷۸	یک توضیح
۲۸۴	همدیگر
۲۸۹	خانه
۲۹۵	تجدید دیدار
۲۹۸	بهترین دوست من
۳۰۱	عبور کردن
۳۰۵	معبد
۳۰۸	هرگز رهایت نمی‌کنم
۳۱۴	مامانی
۳۲۰	آهنگ کیسی

۱۲۴	پسری که قبلاً بودم
۱۲۷	آملیا بلک‌وود
۱۳۰	یک درس
۱۳۳	دیوار گذشته‌ی کورالی
۱۴۱	پناهگاه ساحلی کورالی
۱۴۴	داستان ایتن
۱۵۲	مورد مشکوک
۱۵۶	دنبال شده
۱۶۰	جعبه‌ی مخمل قرمز
۱۶۵	گنج
۱۶۷	ارواح
۱۶۸	کمک
۱۷۲	نقشه‌ی مک
۱۷۴	لحظه‌ی رودی
۱۷۹	مهمانی
۱۸۲	کار بابابزرگ آیک
۱۸۵	میز مک
۱۸۹	صورت پشت پنجره
۱۹۲	نقشه‌ی گنج
۱۹۶	قلدرها
۱۹۹	کانال
۲۰۲	دردسر بزرگ
۲۰۴	اخبار شبانگاهی
۲۰۹	روز امتحان
۲۱۲	بدون جواب
۲۱۶	فرار از مدرسه

## مقدمه



پنجاه و نه روز است چراغ اتاق کیسی<sup>۱</sup> خاموش شده. این زمان آن قدر طولانی است که احتمالاً بعدش هر کس دیگری باشد راحت یادش می‌رود او روزی آن‌جا زندگی می‌کرده یا حتی اصلاً وجود داشته. من فراموش نکرده‌ام.

امشب، مثل همه‌ی شب‌های قبل، صبر می‌کنم همه بخوابند. بعد پاورچین پاورچین می‌روم طبقه‌ی پایین، آرام کاپشنم را می‌پوشم و از در جلویی می‌زنم بیرون و می‌پریم روی سقف ماشین مامان می‌نشینم و خیره می‌شوم. آن قدر هر شب به پنجره‌ی اتاق کیسی زل زده‌ام که دیگر آن چهار تکه شیشه‌ی سیاه را وسط چهارچوب قاب نمی‌بینم.

تنها چیزی که می‌بینم حفره‌ای تاریک است در جایی که قبلاً روشن بود. اما امشب، وقتی وارد ایوان می‌شوم، چیزی فرق می‌کند. امشب ماشینی در مسیر ورودی خانه‌ی کیسی پارک شده. پنجاه و نه روز است چراغ اتاق کیسی خاموش است. اما امشب نوری سوسو می‌زند و برق زردی تاریکی شب را می‌شکافد.

1- Kacey